

## بسم الله الرحمن الرحيم

مفاهیم غلطی که زیرنام اعتدال و میانه‌روی در خورد مردم داده می‌شوند!

( قسمت چهارم )

( ترجمه )

### 5- سردادن شعار حقوق بشر:

برخی در تلاش‌اند که دعوت به تطبیق شریعت و فراخوان به سوی اسلام را به دعوت و ترویج اصطلاح حقوق بشر جای‌گزین کنند. باید برای‌شان فهماند که اصطلاح حقوق بشر یک اصطلاح غربی و سرمایه‌داری بوده، مفهومی برگرفته‌شده از اصول و دیدگاه غربی و عقیده جدایی دین از زندگی می‌باشد؛ چیزی که با عقیده اسلامی در تناقض بوده و با احکام شرعی برگرفته شده از عقیده اسلامی مغایرت کامل دارد. بنابراین برای مسلمانان، به ویژه برای اندیشمندان آنان شایسته است؛ بلکه حتی لازم است که از کاربرد چنین اصطلاحاتی خودداری کنند و اصطلاحات شرعی مانند حقوق شرعی انسان را جایگزین آن کنند؛ زیرا اصطلاح حقوق بشر این‌را می‌رساند که حقوق انسان عبارت از چیزی است که خود آن‌را مشخص می‌سازد، طوری که انسان برده‌غرایز و حاجات عضوی خویش و یا برده‌انسان دیگر بسان خود است. در حالی که اصطلاح شرعی دال بر این است که انسان بنده‌الله سبحانه و تعالی، کسی که او را آفریده است می‌باشد، آفریده‌گاری که برای اشباع درست غرایز و حاجات عضوی آن، احکامی را مقرر ساخته که منجر به پیشرفت و ترقی وی در این جهان و سعادت وی در رسیدن به رضای الله سبحانه و تعالی در آخرت، می‌شود.

به گونه‌ی عینی مشاهده می‌گردد، دولت‌های که خویش‌را پرچم‌دار حقوق بشر معرفی می‌نمایند، جنایاتی‌را مرتکب می‌شوند که کاملاً به دور از حقوق و کرامت انسانی می‌باشد. به طور نمونه تبعیض نژادی که علیه رنگین‌پوستان در امریکا اعمال می‌گردد، همان‌طور که اوضاع پرتنش آمریکا به دلیل قتل فلوید، گواه این قضیه می‌باشد. آن‌ها علیه دولت‌ها و ملت‌های دیگر سیاست‌های فوق استعماری‌شان را اعمال می‌نمایند؛ یعنی زمانی که استعمارگران در سرزمین‌های دیگر دست از هیچ فاجعه‌برنمی‌دارند، مدعیین حقوق بشر کجایند؟ و چرا در موقف‌های‌شان در برابر مشکلات بین‌المللی و مشکلات حقوق بشری، تعامل یک پیمانانه در برابر دو پیمانانه را، بکار می‌برند؟ همچنین شاهد هستیم که زیر نام قوانینی خود ساخته‌غرب، مانند قوانین مبارزه علیه تروریسم، در هرجا، کرامت انسانی را هتک حرمت کرده و حقوق بشر را زیر پای می‌نمایند.

این تعاملی نسبت به افراد، ملت‌ها و مردم بوده در مورد دولت‌ها باید گفته که دولت یا دولت‌های حاکم و مسلط بر جهان (مانند امریکای امروز) می‌باشند که تصمیم می‌گیرند کدام دولت حقوق بشر را نقض می‌کند، تا بدین بهانه آن دولت را در هم کوبیده، و از میان بردارند، آن‌را تحریم و در محاصره قرار دهند، در حالی که از اقدامات دولت‌دیگری چشم‌پوشی نموده و یا اعمال آن‌را ملکانه تعبیر می‌کنند، مدعی‌اند که علیه تروریسم مبارزه می‌نمایند. به عنوان مثال، بر عراق به بهانه نقض حقوق شیعیان و کردها حمله و آن‌را تحت محاصره قرار دادند، در حالی که در مورد صرب‌ها و کروات‌ها که مرتکب جنایات وحشیانه و فظیعیانه علیه مسلمانان بوسنی شده‌اند، سکوت می‌کنند، مقاومت مجاهدین را تقبیح و از نتانیاهو و اشغالگرانش حمایت می‌کنند ... این فقط مشت نمونه‌ای خروار از جنایاتی است که آنان انجام داده و ادعای پاسداری از حقوق بشر در جهان را دارند.

سرانجام برای مسلمانان لازم است که اگر خواهان پیشرفت و ترقی خود هستند، باید به سوی دین حق خود بازگردند، راه حل تمام مشکلات خویش را در مصادر و نصوص آن جستجو کنند؛ تا برای تمام رویدادها و اصطلاحات جدید توضیح درست و درمان شفاء بخش یافته و به "حرف آخر" دست یابند. مسلمانان نباید هرگز فریب شعارهای دروغین و اصطلاحات به ظاهر آرایش شده توسط غرب را بخورند، مفکوره و ایدیولوژی اسلامی یک مفکوره و ایدیولوژی متعالی بوده، مبتنی بر وحی الهی یا برگرفته شده از آن می باشد؛ در حالی که مفکوره و ایدیولوژی غربی یک مفکوره و ایدیولوژی ساخته شده توسط انسانها مبتنی بر عقیده کفری جدایی دین از زندگی می باشد، حال خود قضاوت کنید که تفاوت بین این دو اندیشه در چه حدی می باشد؟ این در حالی است که الله سبحانه و تعالی چنین می فرماید:

﴿أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾ [مائده: 50]

*ترجمه: آیا آن‌ها حکم جاهلیت را می خواهند؟! و چه کسی بهتر از الله، برای قومی که اهل یقین هستند، حکم می کند؟!*

#### 6- افکار واقعیت گرایانه‌ای مانند بگیر و باز مطالبه کن:

این که اعتراف کنیم بسیاری از مسلمانان مبنای تفکر شان و اساسی که دیدگاهی شان را نسبت به زندگی شکل می دهد و از آن مفاهیم، معیارها و باورهای قاطع خویش را بر می گیرند، عقیده اسلامی نیست، واقعاً جای تأسف دارد. حالان که واقعیت این است که مسلمانان در کل، مخصوصاً علماء، متفکرین و سیاستمداران شان ذهنیت و عقلیه سرمایه‌داری دارند، به این معنی که آنها بر مبنای غیر از اسلام نظریات شان را شکل داده، تحلیل امور و حکم صادر می نمایند و از زاویه غیر از اسلام، به مسائل، واقعیت‌ها و رویدادها نگاه می کنند.

این یکی از برجسته‌ترین موفقیت‌هایی است که غرب به آن دست یافته است، گواه این امر رضایت همه‌شمول از راه حل‌های سازش‌گرانه و پنجاه پنجاه، تمایل به پیوند زدن، آشتی و اصلاح، معالجه پیامدها بدون در نظر داشت اسباب و علل آن‌ها و حل مظاهر و علایم بحران‌ها و بدون در نظر داشت حقیقت آن‌ها، به ظاهر رسیدگی به قضایای فردی همراه با غفلت تقریباً مطلق از قضایای جامعه و امت، از جمله قضایای سرنوشت ساز امت است. این منطق منفعت‌گرایانه مرز و بومی برای حرکت‌ها می باشد، حتی حرکت‌های که ادعا می کنند برای اسلام کار کرده‌بنا بر اقتضای ایدیولوژی، دنبال به دست آوردن منافع گروهی و حزبی می باشند. قاعده مشهور سرمایه‌داری "بگیر و باز مطالبه کن" یعنی آن چه را که اکنون می توانید بدست آورید، حتی اگر تمام خواسته‌ات نباشد، بدست بیاور و آن چه را که می خواهید پس از آن بخواه، شاید بعد از آن خواسته‌ات را حتی اگر به صورت مرحله‌ای هم که شده، بتوانید بدست آورید، به دلیل این که چیزی که دریافت کامل آن ممکن نیست، بطور کامل از آن انکار نمی شود. این منطق منفعت‌گرایانه مرزبومی برای حرکت‌ها می باشد، حتی حرکت‌های که ادعا می کنند برای اسلام کار کرده و بنا بر اقتضای ایدیولوژی، دنبال به دست آوردن منافع گروهی و حزبی می باشند.

این منطق منفعت‌گرایانه منجر به دوری این حرکت‌ها از ایدئولوژی وعدم دستیابی حتی به این مطالبات فوری، خودخواهانه و زودهنگام، می‌شود، که در نتیجه فاصله و دوری شان از ایدئولوژی این حرکت‌ها، حیثیت و اعتبار خویش را از دست می‌دهند. ما بگونه مثال شاهد بودیم که این قاعده، این حرکت‌ها را در مصر به کجا رساند؟ تمام آن‌چه را که بر حسب این قاعده بدست آورده بودند، ذریعه یک انقلاب‌خونین که فاجعه‌های زیادی را در پی داشت، با آن همه‌فعالیت‌های اسلامی دراز مدت در آن سرزمین از دست دادند.

تا زمانی که مردم عام، دانشمندان، علماء، مفکرین و رهبران جنبش‌ها و احزاب، از این منطق منفعت‌گرایانه پیروی کرده و در گرو این ذهنیت و عقلیه سرمایه‌داری باشند، نباید انتظار بیداری و پیشرفت را داشت، امیدواری‌های از بند استعمار و تمام انواع وابستگی بود و نباید توقع داشت که امت جایگاهی را که باید در میان امت‌های دیگر داشت را، به دست آورده می‌تواند.

**نویسنده: حامد عبد العزیز**

**مترجم: علی مطمئن**